totfim

شهوت جماع را لذت دهد کرده و مثانه قوی کند و بادها از تن
تحلیل کند عیسی حکیم هر که پیاز بر آتش بریان کند و با روغن گاو بر درد
دبیر ماسوره ساده نهد بهتر شود و خون آمدن باز دارد و هر که پیاز
پخته با سرکه در حمام در خورد که الاکر را ببرد جالینوس حکیم هر که پیاز پخته بخورد
بلغم را از معده بخورد ببرد و هر که پیاز را بر روغن تر کند و با کحل
بکار برد باد را از خصیه ببرد و هر که نانخواه پیاز پخته بخورد آواز
نیک بدو سرفه را ببرد و هر که آب گزر را با سکنجبین بخورد جماع را زیاده
کند و قوت دهد و هر کسی دو درم تخم گزر با دو درم قند بکوبد و بخورد
ریگ مثانه را پاک کند و هر که گزر را پوسته بخورد عجب دیدم که اگر
ده کنیزک دوشیزه باشد در یک شب قصد تواند کرد و هر که جو را با مویز
در هم بجوشاند و آبش صاف کرده بخورد درد سر را فایده دهد
بقراط حکیم هر که آب بسیار خورد درد سرش بیفزاید و چشمش تاریک شود
و هر که رواس بسیار خورد و ضماد آن بنشاند غنده را قوی کند و خون را
صاف کند و یرقان را ببرد و هر که شراب رواس بخورد خون را باز
دارد و شهوت را ببرد جالینوس حکیم گوید هر که را از بر قضیب خون آید
رواس بخورد خون را باز دارد و هر که رواس بخورد دیدار را انتفاع
دارد و هر که رواس بکوبد و در موی مالد موی سیاه شود بی هنگام
سفید نشود و هر که بنفشه بسیار ببوید خواب خوش آرد و درد
سر بنشاند و چشمش روشن و هر که آب بنفشه با شکر بیامیزد و بخورد

بنوشاند و تب ببرد و هر که در چشم نه‌بیند که بنفشه را
بکوبد و با زهرهٔ کرکس بیامیزد و فتیله کرده بخود بر دارد درد
فرزند بسته شود و هر که ریحان بر بوید درد شقیقه را ببرد
و چشمش روشن شود اگر ریحان بکوبد و بر سر آماس نهد ساکن
شود بقراط حکیم گوید هر که را خفیه آماس کند ریحان بکوبد و آب
آن طلایه کند آماس فرو نشیند و درد ساکن کند هر که ریحان
بروغن تازه بریان کند و در موی مالد موی را سیاه کند و اگر
مقعد بیرون آمده باشد ریحان را بکوبد و بجوشاند و در مقعد
الد باز بجا رود جالینوس حکیم گوید اگر کودکی در حمام خواب کند بر کنند
یک مثقال تخم آب ریحان بگیرد و با آب سپید بخورد هر که گرفته کند؟
و هر که تخم سپید ریحان هر دو بروغن بریان کند و در گوش
چکاند کری و گرانی گوش را ببرد جالینوس حکیم گوید هر کس نرگس
بسیار بوید مغزش را قوی کند و خواب خوش آرد و اگر نرگس
در قضیب سخت شود اگر زنی آبستن نگیرد و نرگس را بکوبد
و فتیله بدان آب تر کند و بخود برگیرد و در زمان که با مرد
دخول کند آبستن شود اگر آب نرگس در چشم کشد شب کوری
را ببرد و هر که نرگس بکوبد و بر زهار نهد دق تنگ؟ بر؟ و کار
نکند عیسی حکیم گوید که در خانه نرگس باشد مجامعت نباید کرد که اگر کند

وقت انزال چشم بر نرگس افتد آب گشت

هر که آب لاله و سیر مالد در د شقیقه و شکم

و در موی مالد نجاست سیاه شود و چون لاله را بکو

خیلی حیز را باز دارد هر که جای کلنگ دود کند موشان

اگر پیه بز رد و نقرس مالد خوب باشد هر که گوشت بز را با

نقرس نهد که در بالا ورم که دارد فایده دهد هر که

و بیر آماسی نهد اماس را بنشاند و اگر نیش گرگ ما

نقا دل را به

...ت کند و در پوست گرگ کند و زند و در بازو

...ی بر وطن نیاید عدد لنکه حکیم هر که مغز موش را

...ید و در بینی طلا بر کند خشک دماغ را ببرد اگر کسی

باشد جوز و نمک را دو نیم کند و بر سر جراحت بندد پیکان

هر که زهره خروس در چشم کشد آب ... و بیند از چشم

...بینی گنجشک بر زخم مالند به شود اگر سرگین باز را

...او را فرزند نباشد فرزندش بهم رسد و هر که دل

12 امعت قوت ... و شهوت را بیفزاید

...بنفور آید

نجیر تازه گرم و خشکست و سنگ و ریگ مثانه را پاک کند و سپرز و سده
ن ید و تن را فربه کند و تمام زهرها را سود دهد دفع مضرة آن با آب کامه
نک و سکنجبین بود گرم مزاج را و سکنجبین انگبینی سرد مزاج را سود
دهد انگور شیرین گرم و تر است و مفید است و چون بعد از انگور آب
سرد خورد درد و باد در شکم افتد انار شیرین دفع مضرة آن کند
نعناع سرد و تر است تن را اگر گرم بود سود دهد و گرم مزاج را قوة
دهد و باد در شکم افکند آلو سیاه سرد و تر است صفرا بنشاند اما
معده را سست کند سکنجبین دفع مضرت آن کند بانها کم منفعت
دارد ریباج سفید سست جگر گرم را سود دارد و دفع مضرت آن
حلوای شکر باید کرد حریصه گرم و تر است قوة پشت زیاده کند و معده
ضعیف را چون باشد دفع مضرت آن با آب کامه و زیره باید کرد سماغ
سرد و خشکست سستی معده را زیان دارد و دفع مضرت آن بروغن
بادام باید کرد نخود آب گرم و تر است مفلوج را سود دارد و صفرا
بنشاند و معده را پاک گرداند حلوای عسل دفع آن کند بیضه مرغ گرم
و تر است قوت پشت زیاد کند و معده را سست کند و زنجبیل
دفع مضرت آن تواند کرد شکنبه و روده سرد و خشکست معده گرم را
موافق باشد خربزه گرم و تر است زنگ و درد را تازه کند و مثانه
را نافع باشد اما معده را سست کند و سکنجبین ضرر آن دفع کند

زردالو سرد و تر است معده را سود دارد و بناشتا خوردن
مقرنش کمتر باشد بعد از طعام زیان دارد سیب ترش سرد
و خشک است زهر کژدم را سود دارد و صفرا بنشاند اما درد مفا
را زیان دارد شراب کهخند دفع ضرر آن کند سیب شیرین در گرمی
تر مفید است دل را قوت و آماقضیب را سست کند گل شکر
دفع آن کند به سرد و تر است دل را قوی کند و بول بسیار آ
اما قولنج را زیان دارد حرارت و علل اصلاح آن کند سکنجبین
سرد و خشک است تن گرم و بلغمی را سود دارد و درد سر و چشم را
سود دارد و اما اسهال و قولنج را زیان دارد شراب نیلوفر
و تر است صفرا را سود دارد و طبع را نرم کند و سرد مزاج
را زیان دارد و شراب به سرد و خشک است اشتها آورد کند
تشنگی را بنشاند و قولنج را زیان دارد شراب سیب ترش
سرد و خشک است معده گرم را سود دارد و قرح و اسهال را با
دارد و قولنج را زیان دارد بجلاب قند و گل شکر دفع آن
توان کرد شراب سیب شیرین و معتدل است دل را قوت
دهد و حلق را شیرین کند و صفرا را زیان کند و با آب لیمو دفع
آن توان کرد و شراب خرما غلیظ است مردم را فربه کند
طبع را ... نرم کند انار شیرین و لیمو دفع آن کند شراب
کهنه

خمه گرم و خشکست پیرانرا سود دارد و روح را قوّت دهد و چنین
بسیار خوردن جوانانرا زیان دارد و سیب ترش و شیرین و آب لیمو
و نارنج و آب غوره و انار شیرین اصلاح آن کند آب گرم گرمست معده را از
پاک کند اما معده و جگر را سست کند گلاب دفع ضرر آن کند برف و یخ
هضم
گرم و خشکست غذا هضم کند و سر فرا زیان کند و یخ آب گرم و خشکست
معده سست را قوّت دهد گلو را زیان دارد و آب چشمه دیر و غلیظ
جگر را سود دارد و هضم غذا کند اما اعضا را سست کند عود گرم و خشکست
معده را جگر را سود دارد و دل را قوت دهد معده و جگر گرم را زیان
دارد و با نار ترش دفع ضرر آن میتوان کرد مستکی گرم و خشکست معده
را قوت دهد و بلغم را بگدازد و جگر گرم را زیان جوز گرم و خشکست معده را
قوت دهد دهان و گلو را بجوشاند و زبان را نیز بجوشاند و سکنجبین
و خشخاش و بادام شیرین دفع ضرر آن کند بادام گرم و ترست و ناگوار
بود دیرگذر دفع ضرر آن کواه کرد فندق گرم و ترست دماغ قوت
دهد بر معده گران فستق گرم و خشکست و صندل گرم دردسر گرم و درد
دل گرم را زیان دارد و آواز را زیان دارد و جلاب و نبات و گلاب
دفع آن کند کافور سرد و خشکست دل گرم را سود دارد و قوت شهوت
را سست کند بنفشه و نیلوفر دفع ضرر آن کند مشک گرم و خشکست قوت
دل را و دماغ را [illegible] دهد و چشم روشن کند عنبر گرم و ترست پیران را

سود دارد و تریخ گرم و خشکست و لطیف طبع را بر انداما معد

زیان دارد و ماهی شور گرم و خشکست و بلغم را بگدازد اما بهق

آورد و شراب کهنه سرخ دفع مضرت آن کند ماهی کوچک سرد و تر ا

و لطیف است جگر گرم را قوت دهد اما چشم را زیان دارد و

کهنه و با لعاب دفع مضرت آن کند ماهی بزرگ سرد و تر است و غلی

را فربه کند اما تشنگی آورد و شراب کهنه و مویز دفع مضرت آن کن

مباح گوشت

فی اللحمات گوشت خر و غلیظ است و خشک و سرد و با بلغم مزا

را نافع است اما دیر گوارد و زنجبیل و دارچینی دفع مضرت آن کند گو

آب گرم و خشکست خون گرم تولد کند اما بواسیر بد

گوشت کبک و تراج گرم و تر است و لطیف صحت بیمار نیک

اما معده قوی را زیان دارد و آب شبت بیفزاید روغن باد

دفع مضرت آن کند گوشت بط گرم و تر است و غلیظ و آدمی را

کند گوشت کلنگ سرد و خشکست معده قوی را نیک بود اما

و درد مفاصل زیان دارد و دارچینی پخته دفع مضرت آن کند گوشت

خرگوش گرم و خشکست و فربهی بسیار را کم کند و قوت دهد اما بدگوار

زیره و گشنیز دفع مضرت آن کند گوشت آهو گرم و خشکست فالج و املا

و لقوه را نیک بود اما بی خوابی آورد و گوشت گرم و خشکست آبهای

سودایی و معده قوی را سود دارد اما سودا بر خاطر تولد کند فلفل

علاج ضرر آن کند گوشت گوساله سبک باشد معده‌های گرم را نیک بود
سپرز را قوی کند با فلفل و دارچینی دفع ضرر آن کند گوشت بز سرد و خشک است
زود گوارد و چون کباب آن بسیار خورد قلنج پدید کند گوشت گوسفند
گرم و تر است آدمی را تن درست کند و سود دهد گوشت موافق‌تر از آن
نباشد گوشت قدید گرم و خشک است غذا را هضم کند و زود گوارد اما
دماغ و چشم را زیان دارد و چون با روغن گاو و ماست خورند دفع ضرر آن کند
قوانیط معتدل و غلیظ است اما قولنج و بادها را تولد کند خایه مرغ خانگی
گرم و تر است چون نیم پخته شود و بخورند آب پشت را زیاده کند چون تمام
پخته کنند دیر گوارد و شراب دیر کهنه دفع آن کند زیتون شور گرم و خشک است
قوت معده دهد و طعام را هضم کند و اما در سپرز و پیچ خلل آرد
چون با کرفس خورند دفع ضرر آن کند انجیر تازه گرم و تر است طبع را
نرم کند و تن را فربه کند و سده آورد با سکنجبین و جوز دفع ضرر آن
توان کرد ماست ترش سرد و تر است طبع را نرم کند و تشنگی بنشاند
دهان و گوشت بن دندان را زیان دارد ماست تازه سرد و
گرم معتدل است سینه و شش را سود دارد تب لرز آورد و زعفران
گرم و خشک است چون اندکی خورند رنگ روی تازه کند و دل خوش
کند و قوت پشت دهد و چون بسیار خورند اشتها ببرد و قی

سماملی

درد معده را ساکن کند ریوند ترب از تن ببرد اما وی را بسوزاند چو
تازه دفع ضرر آن کند خرمای تازه گرم و تر است معده سرد را
داد و گلو و آواز را زیان کند خشخاش کوفته بریان کرده را
ضرر آن کند جوز هندی گرم و تر است در معده دیر گوارد چون
فانید و شکر بخورند دفع ضرر آن کند جوز بخ گرم و تر است و
بار و ببرد اما معده را طر زیان کند خربزه هندی سرد و تر است
گرم و خشک را سود دارد اما دیر گوارد شکر و فانید دفع ضرر آن کند
لوبیا سرد و خشک است تن را فربه کند اما روشنایی چشم را ببرد و خواب
سهمناک بیند روغن و آب کامه دفع ضرر آن کند ماش سرد و
در خشکی و سردی اعتدال دارد تنها گرم و صفرا سودی
دارد اما دنبه را ضعیف کند روغن بادام دفع ضرر آن کن
برنج سرد و خشک است قضا ببارد هند و قوت افزاید و معده گرم
گرم را سود دهد و وقت باشد که قولنج آورد و چون با روغن خو
نیک باشد اما انار ترش سرد و خشک است اما طبع را غربت
گرم را سود دارد و سینه و آواز را زیان دارد و حلوای انگبین دفع
ضرر آن کند انار شیرین گرم و تر است بعضی گویند معتدل است
صفرا را سود دارد و قوت پشت دهد اما ضعف را تولد کند

و باد در شکم

و باد در شکم اندازد اما ترش دفع ضرر آن کند بریان گرم و تر است
گوشت اندامها را قوت دهد اما دیر گوارد مسکلی و شراب لیمو دفع
ضرر آن کند مرغ گرم و تر است دل را قوت دهد و نشاط افزاید اما
معده ضعیف را زیان دارد و شربت به دفع ضرر آن کند کباب
گرم و تر است کسی که خون بسیار از و رفته باشد سود دارد اما معده را زیان
دارد و املیکی بلیله پرورده دفع ضرر آن کند سنبوسه لطیف است قوت
افزاید اما دیر گوارد و سرکه بوییدن دل خوش کند و خوردن قوت دهد
طبع را نرم سازد در هضم آورد سنبلا سفید و کافور و عنبر دفع ضرر آن
توان کرد و شربت نار شیرین معتدل است دل را قوت دهد و قوت تن افزاید و صفرا
را زیان دارد و شراب خاص و لیمو دفع شود شربت نار ترش سرد و خشک
و لطیف بود و قی باز دارد و صفرا تولد کند قابض را زیان دارد و زنجبیل
پرورده دفع ضرر آن توان کرد لیمو سرد و خشک است اشتها انگیزد و قضا
نرم کند و دل را قوت دهد سپه و مزاج را زیان دارد و نبات شکر و
نبات املیکی دفع ضرر آن توان کرد شربت نارنج سرد و خشک است صفرا
را موافق بود و معدهای گرم را موافق و سرد را به اندامها را زیان •

دارد بزنجبیل پرورده دفع مضرت آن توان کرد و شربت کند…
سرد و ترست تن را فربه کند و سده انگیزد دماغ را ممتلی کن…
و بلغ شکر و بلغ انگبین دفع مضرت آن توان کرد شربت انگبینی گر…
و خشکست مزاج سرد را سود دارد و مضرت زیان دارد و مضرت آ…
و تمرهندی و آلوی سیاه و سکنجبین دفع آن شود شربت عسل گرم و خشک…
معده و جگر را سرد را قوت دهد دل و جگر را موافق بود شربت…
انار ترش دفع مضرت آن توان کرد بنفشه پرورده سرد و تر…
سینه و حلق و صفرا را سود دارد و معده را سست کند شربت…
نارنج و لیمو دفع مضرت آن کند شکر گرم و خشکست و لطیفست دل…
قوت دهد و شادی افزاید معده را قوی کند دل و دماغ را ق…
دهد و مضرتی سعتر زیان دارد خیار تازه دفع مضرت آن کند عود…
گرم و خشکست دهن را خوشبوی سازد دل و دماغ و جگر…
سود دارد و سوسن گرم و ترست بلغم دماغ را دفع کند و دما…
را گرم کند اما دیر گوارد و بوییدن صندل آنچه بود دفع…

گرم

گرم و معتدلست دل را قوت دهد سده و دماغ را بگشاید دماغ گرم را
زیان دارد و بوییدن کافور دفع مضرت آن کند بنفشه سرد و ترست
و بوییدن آن دل و دماغ را سود دارد و دماغ سرد را زیان دارد و
با بوییدن نرگس دفع مضرت آن کند مهرد گرم و خشکست دل و دماغ را
قوت دهد دماغ سودایی را زیان دارد و بیخوابی آورد بوییدن
بنفشه تازه دفع آن بود هلیله پرورده گرم و معتدلست قوت
معده دهد و هضم طعام کند باسور را فایده دارد و مثانه را
زیان دارد و شربت خشخاش انار ترش دفع مضرت آن کند زنجبیل
گرم و خشکست معده و مثانه سرد و گرده را سود دارد قاقم گرم است
باعتدال پیران و جوانان را معتدلست و موافق بود سرد مزاج
را موافق نبود سنجاب گرم است باعتدال پیران را موافق بود
سرد مزاجانرا موافق نبود سمور گرم و ترست گرم مزاجانرا زیان
دارد و دور زیر آن ابریشمی بپوشند در باد کردن
زمستان و تابستان و هوای پاییز و هوای بهار سرد و خشکست طبع
را موافق طبع نبود امراض و عفونت و بسیار زیان دارد

در گرمابه روغن باید مالید و چون زمستان سرد و تر است قوت [illegible]
و بلغم را زیاده کند و جامهای گرم پوشیدن مفید بود و هوا [illegible]
گرم و خشک است تن مردم را گرم و خشک کند صفرا و ضعف لازمه آن
شربتهای خنک و تر به کار باید داشت گرمابه گرم و تر است [illegible]
آدمیان چون معتدل بکار دارند فایده مند بود رنجوران
گرم را زیان دارد و شربتهای خنک باید خورد و هوای بهار گرم و [illegible]
جمله آدمیان را سود دارد و معده هر خلط را زیان دارد

بیان فصل جامهها

مناسب خورند [illegible] جامه زرین دل را قوت دهد و [illegible]
پشت بیفزاید در هر وقتی و جامه قرمز گرم و لطیف است
خون را گرم کند جامه کتان بیرون سرد و اندرون گرم [illegible]
نیک بود و پوشیدن جامه ابریشم پوست مردم را نرم [illegible]
فربه کند و شادی افزاید پوست تن را نازک کند با جامه [illegible]
خوب بود کلم نیک بود اما با دانگی دو چیز با گوشت بپزند
ضرر آن رد کند جزر گرم و تر است قوت پشت دهد و [illegible]
زاید سرکه و خردل دفع آن کند شلغم سرد و تر است سرفه [illegible]

نزلرا

نیک بود اما معده را از گواریدن باز دارد و سیر گرم و خشکست
تریاک همه زهرهاست آب پشت بیفزاید اما دماغ را زیان دارد گندنا
بعضی گفته اند گرم و ترست و بعضی گفته اند سرد و خشکست چون آبهای
گوناگون بخورند سود دارد و شهوت افزاید اما درد سر آرد سرکه و ماهی
دفع ضرر آن کند بنام حکیم بادنجان گرم و خشکست معده را قوت دهد
و اشتها بیفزاید اما دهان ریش کند و علت سودا انگیزد روغن بسیار
دفع ضرر آن کند اما خیار و بادرنگ سرد و ترست تنهای گرم را سود
دارد کرده و جگر را سود دارد و اما درد معده و پشت آورد عسل
و مویز دفع آن توان کرد سرکه خالص سرد و خشکست صفرا ساکن کند
و اشتها آرد و لیکن دماغ و عصب را زیان دارد جلوی شکر دفع مضرات کرد
آب غوره صفرا ساکن کند ... فائده گفته اند که هر زنی که او سرخ
سفید بود و پیوسته ابرو و سیاه چشم و میگون مو و باریک لب و
بزرگ سخن و بلند بالا و کوچک پستان و فراخ سینه و بیشتر رود
میان بدین صفت باشند دلیل بود که موضع مخصوص او تنگ
بود و پارسا بود و با حلاوت بود و شهوت حریص بود هر زنی
که پیر دلاغر و بلند بالا باشد هر چند که چهره دوشیزگان باشد

از صحبت او مرگ مفاجا بود اما هر زنی که سرخ و سرخ موی بود مرضی
مخصوص او سرد و تر باشد از مجامعت او عرق النسا تولد کند

نشان کرم هر زنی که قد او باعتدال بود دراز موی و پهن روی
و سیاه چشم و کوچک دهن و پیوسته ابرو و نرم اندام و فصیح زبان
و خوش آواز و فراخ دست و باریک میان و سرخ و سفید و شیرین
حرکات و خوش خرام و بزرگ سرین و جوان بود دلیل کند که زنی
مخصوص گرم و نرم و با حلاوت بود چنین حریفی لطیفی ملیح فصیحی
سرو قامت خوب چهره بدست افتد تا در تن جان باشد از کار
او غافل نشوند و ما را بدعای خیر یاد میکرده باشند اما آنچه
قضیب و سست کند ده چیز است اول هر علت که در نهاد
بود دوم از دویدن بسیار سیم در کره عرق بسیار کردن
چهارم شب بسیار بیداری بردن پنجم اسب بسیار تاختن ششم
بر پهلوی چپ مجامعت کردن هفتم بر با صحبت داشتن
هشتم ترشی بسیار خوردن نهم در وقتی تشنگی آب گرم
بسیار خوردن دهم قی بسیار کردن این جمله قضیب را
سست کند و منی را نقصان دارد اگر قدری دارچینی در

دهن

و در وقت مجامعت عود بخور کنند بسیار لذت بخشد که فاعل
و مفعول بیهوش شوند. منافع غذا: بدانکه غذاها در تولد منی بسیار اثر است
قوت آن از داروها زیادت بود زیرا که اگر دارو منی افزاید اما قوت غذا و
منفعت غذا بیشتر بود اما غذاهایی که قوت آرد منی افزاید غذایی باشد
که در وی حرارت و رطوبت بود و غلیظ بود یا از آن قوت اینها تولد کند
کرت نیست این باشد و غذا را بهتر آنست که قلیه خورد با گوشت فربه
و باقلا با ویار کنند که در آن دو روغنها رطوبت بود و نیز در وی نفخ بسیار است
که چون خورده شود نفخ در وی حاصل آید چون پیاز که در وی رطوبت غلیظ است
باد هضم کنند و دارچینی نیز هم در وی حرارت منی افزاید و گرده گرم کند
و در غذاهای منی ده که مجامعت را شاید نان فطیر و گوشت بره و مرغ جوان
و کبوتر بچه و ماهی تازه و کبک و بط و گنجشک و تخم مرغ و شیر تازه و شلغم
و نخود سفید با گندم و عسل و روغن گاو و پسته و فندق و مغز بادام
و انجیر تر و جوز هندی کنجد سفید و خرما تر این همه آنست که قوت مجامعت
دهد و منی را زیاده کند. فصل: بستانند مشک و عنبر اشهب
و عود هندی از هر یک دو دانگ نرم بسایند و در شراب اندازد

دلشم پاره بدان آلوده کند و زن بخود بردارد بغایت سود دارد

فرج را نرم و تنگ و خشک کرداند فصل در چیزها که قضیب

بزرگ کند بدانکه قضیب از جماع کردن و مالیدن بزرگ کرد

اما محمد ذکریا گوید که هر شب قضیب را شیر تازه بمالد و بآب گرم بشوید

قوی شود و در مجامعت کاهل بود فصل در چیزها که زن را

گرم و نرم و تنگ کند عفاقرحا و عصاره لحیة التیس از هر یک

ده درم و تخم مورد هیجده درم جمله بهم کوفته و پخته در نیم من

شراب بجوشانند و صاف کنند و زن در وی نشیند بدر

دختر خانک فرج را گرم و نرم کند فصل بستانند عصاره

لحیة التیس و مازو سبز ناسفته و عود هندی و پوست

و پوست ترنج از هر یکی دو دانگ با نیم دانگ از جمله

خرد بسایند و پاره پشم بدان آلوده کنند زن بخود برگیرد

موضع مخصوص نرم و گرم کند و این معالجه بغایت پسندیده

بستانند مازو سبز ناسفته و پوست انار

هر از یکی دو دانگ جمله را نرم بسایند و بشراب آغشته کنند و

ابریشم بر آنجا آلوده کند و بجوید بر گیرد بسیار مفیدارست تنبیه
بستانند کرم دانه و عنبر اشهب و عود هندی از هر یکی دو دانگ خورد
بساید و بشیر آب آغشته کند و پاره ابریشم بدان آلوده کرده بجوید بر گیرد
حامله دختر شود فصل بستانند زهره خروس و روغن حل کند و بجوید
بر گیرد بسیار مفیدارست تنبیه دیگر مغز دانه عصفر و برگ سوسن
از هر یکی جزوی و جمله را در آب بجوشانند و زن در آن نشیند حامله دختر شود
فصل در چیزهایی که زن بار گیرد زهره گرگ یک مثقال با روغن حل کند
و ابریشم بدان بیالاید و بکار برد بار گیرد تنبیه در خواص چیزهای
که از کتاب بالینوس حکیم هر که در وقت خفتن یک شربت آب گرم بخورد
او را درد سینه نبود هر که در شب طعام بسیار خورد اندام او گران باشد
و هر که بامداد هفت مویز طایفی از دانه بیرون کند و بخورد بلغم ببرد
و صفرا بنشاند هر که هلیله را با شکر طبرزد بساید و بخورد خون را
صاف کند و قوت بیفزاید و هر که پیوسته با آب هلیله سر بشوید موی ش
زود سفید نشود و هر که از چوب شفتالو مسواک کند بوی دهن او خوش
شود و دندان سفید شود و هر که هفت شب سندینه با روغن یاسمین

چرب کند و در گوش نهد درد گوش نپذیرد هر که آب چندان خورد
که هنوز تشنه باشد معده را قوی کند و طعام بگوارد و هر که پیه مار
سیاه و نشان بیامیزد و بر ناسور ده ساله بمالد به شود و هر که نه
چهارم دارد کله آدم را دود کند تب سه بر برد و هر که دندان آ
با خود دارد او را درد دندان نبود و هر که خون شب پره در
کشد زر ب کور را بیرد و هر که بوزینه بخورد و کنگ سود
و هر که زهرهٔ طاووس بخورد دیوانه شود و هر که دندان گرگ
بر دندان کودک مالد هر که او را درد دندان نباشد و هر که مو
خوک بر کودک بندد در خواب نترسد و هر که ناف کودک را
زیر نگین کند هر که او را قولنج نباشد نفس هر که خاکستر
در بینی دمد حنو از بینی باز دارد و هر که دندان کودک
بندد از باد گوناگون ایمن باشد و هر که خانه موش خشک کند
و باید بزنی دهد تا بخورد چون شوهرش بدو رسد در
بار گیرد و هر که چشم شیر با خود دارد در چشم مردمان با هیبت
نماید هر که گوشت شیر بخورد او را هیچ علتی نباشد و هر که

مادر

یادی در اعضا بود پیه شیر بدآنجا مالند به شود و هرکه کرده شیر بخورد
دلیر شود — هرکه گوشت گورخر بخورد اگر بادناک بود به شود
و گوشت او بغایت لطیف است و هرکه گوشت گورخر بود سرگین گورخر
تازه بیفشارد و آب آن در گوش چکاند کری برطرف شود و هرکه
سرگین گورخر در خانه دود کند مار و کژدم و همه گزندگان از آنجا
بگریزند و هرکه جگر گورخر قلیه کند و بخورد باد شکم و آماس ببرد
هرکه ریم گوش فیل بخورد یا بکشد بیهوش شود اگر زین سرگین فیل در زیر
خود دود کند زهدانش سرد شود — هرکه گوشت شغال یا سرکه
بخورد بادهای مختلف ببرد و هرکه جگر شغال را با پیه او بریان کند
و بخورد درد دل و آماس و سرخ باد را ببرد و آماس جست و پای را
نیز سودمند بود و هرکه خون شغال با سرکه کند و برآنجا که باد بیشتر باشد طلا
به شود — در بیان خواص لحم مرغ ریشهار گرم

در بیان شناختن بول بیمار

که بر سرد هم از زام باد ار سود دارد و گوشت آورد فصل

بدانکه بول و غایط بیمار گواه طبیب است از هر علتی که جگرش و پیرام

خیزد تا این هر دو گواهی ندهند بر علت بیمار جایز نباشد معالجه کرد

دیگر فتنی بول بیمار آن وقت گیرند که از خواب بیدار شود پیش از آنکه چیزی

باشد و چون آب را گرفته باشد قاروره را زمانی بگذارند تا ما

توان شناخت و باید که طبیب بپرسد که بیمار چه خورده تا چیزی خو

باشد الا که آب رنگ بگرداند و در معرفت چهار چیز نگه باید داشت

اول رنگ دویم بوی سیم قوام چهارم رسوب اما بر یک

مختصر درین فصل بیان کنم چنانکه آزموده اند زود فهم کنند

رنگ بول هشت گونه است اول سفید دویم زرد س

ترنجی چهارم آتشی پنجم زعفرانی ششم ارغوانی هفتم سرخ

هشتم سیاه فام اما آنچه سفید و صافی بود چون آب از

حلکدن

چلیبن آب ناخوش کر بپارسی آن را سلس البول خوانند یا از خوردن
بسیار و از بلغم و ضعف جگر باشد و اگر سفید باشد و پشت میان
درد کند نشان آن بود که در گرده سنگ مثانه باشد و اگر برنگ خشتر
دی دارد و بعض آن که مانند آب کاه کند دلیل کند که علت انذکی پخته باشد
و اگر ترنجی باشد دلیل کند بر گرمی بسیار و سوزندگی و اگر برنگ زعفران
بود دلیل کند بر گرمی اما نه تا آن حد که بر آن انشاء کردن اما چون
با صفرا آمیخته بود و اگر زرد و سیطر و خوش بر سر آب ایستاده بود
نشان تب دو روزه باشد و تب دایم نیز باشد و اگر برنگ
ارغوان بود دلیل کند بر زریر که بپارسی آنرا یرقان خوانند
و اگر برنگ سرخ بود بر زیادتی خوردن و اگر نه سیاه فام باشد
و سیاهی وی از پس سرخی بر زردی پدید آمده باشد دلیل کند
بر سوختگی و اجزاء مرگ اما طبیبان بسیار ترسند آب ناخش

سیاه آما درین علتها زیرا که جلیبان طبیعت همه را در آ

ناخن دفع کرده باشد شاید که بعز اجبر خورده باشد که آب ناخن

سیاه باشد و اگر زعفران خورده باشد آب ناخن زرد باشد

و اگر سبز خورده باشد آب ناخن سبز باشد پس طبیب باید که

تامل کند و بیمار را بپرسد که در روز چه خورده تا بپرسد

معالجت نکند تا خطایی واقع نشود و اگر آب ناخن بر روغن

ماند دلیل کند بر که لختی پیه گداخته و بنائی معده و اگر آب

ناخن بسبزی مایل بود دلیل کند بر فالج و گشتگی و اگر آب

ناخن بسیار آمیخته بود دلیل کند که سر رگ گشاده بود و اگر آب

ناخن با آب گوشت تازه مایل بود نشان ضعف

جگر بود و بهترین آب ناخن آنست که به ترنجی مایل بود و بدترین

آنست که سیاه و تنک بود و قولی دیگر آنست که آب ناخن سفید

ز نشنی

از تشنگی و آب خوردن بسیار بود نشان سردی جگر و ناخوش طعام باشد
واگر زرد باشد نشان صفرای تیره بود که در تن پدید آمده باشد
واگر سخت و سرخ بود و بادی کف زرد بود نشان بر عقد رود اگر بسیار
بود نشان تب چهارم و درد سپرز بود نص بعض حکما گفته اند
که چون آب ناخوش سفید و طبع گرم و قوی باشد بیمار باشد و تشنگی
بسیار واقع شود و بیم مرگ بود از جهت آنکه گرمی بمغز سرش رسیده
باشد واگر دلالت کف سبزی و آنکه بسیار باز ایستد نشان بیماری
سپرز باشد واگر مانند مویز باشد و آب نخود مانند بود نشان
استسقا و گرمیهای کهن باشد که در تن جمع بود واگر بر سر آب
روغن بسیار بود دلیل گداختن پیه کرده باشد نص
بعض حکما گفته اند که آب ناخوش سفید و سطبر نشان بلغم بود واگر
سفید و تنک بود نشان بلغم و رطوبتهای فاسد بود واگر زرد و تنک
باشد نشان زیادتی خون باشد واگر آب ناخوش سفید بود و

بیمار را قضیب میسوزد نشان آن بود در مثانه سنگ افتاد

باشد و اگر سرخ و سطبر بود بیمار را تب قوی باشد نشان آنست ک

که آماس جگر بود اگر برنگ آتش بود نشان خیزکی خون بود و صفرا

بود که در هم آمیخته باشد و اگر برنگ سان زعفران بود هم نشان گرم

باشد اما بوی آب ناخوش هم باید دانست اگر بوی آب ناخوش

کننده بود دلیل کند طبیعت با این علت بکنار ریخته باشد و ا

از تبهای گرم و اسهال دلکی بود و تیز باشد که لکن اگر آب ناخوش از ریش

مثانه بود و علامتش آنست که بوقت بیرون آمدن سوزش

دهد و ریم با وی بدر آید و آب ناخوش که بوی ندارد علامت

آن باشد که علت اندکی پخته باشد و هرچند که آب ناخوش کندید

بود و بوی کندیده و تیز داشته باشد بیمار رکتر باشد و دشوارتر

و گروهی از استادان گفته اند که آب ناخوش کندیده از سبب

آن بود که آمیز گرم در گرده عفونتر شده باشد

از نوام

که قوام آب ناخوش سه گونه است اول سیطر دویم تنک سیم
معتدل اما آب ناخوش سبطر باشد بهر رنگ که بود دلیل کند بر دو چیز
اول بدان دلیل کند که تمام پخته باشد و هیچ خللی در وی نیست اما
در وی بیماری با تری بماند و باشد طبیب که در وقت بیماری تر بیابد و بد
دویم دلیل کند علت سبطر آب ناخوش که تنک شد روشن بود بسبب
سه چیز اول آنچه دلیل کند که غذا در معده هضم شده باشد بعزودت
آب ناخوش تنک بود دویم از سبب بستگیها باشد که در جگر و در کرده و آلت
آب ناخوش بود سیم از سبب آن باشد که ماده علت خام باشد و تمام
پخته باشد اما آب ناخوش که معتدل بود یعنی نه سبطر بود و نه تنک
دلیل نیکی و نیکویی هضم کند و صلاح و چون آب ناخوش اول رد
و چون زمانی بگذارد روشنتر شود نشان آن بود که در بیماری
بخواهد شد و اگر از اول روشن بود چون زمانی بگذارد تیره
شود نشان آغاز پختن علت بود و آنکه از اول تیره بود چون
زمانی بگذارد نیمه روشن شود نشان تندرستی بیمار بود

فصل

واصــــــــ هرکه بچشم درد کند و موی برآید به

باشق با سرگین آدم بیامیزد و سه روز بگذارد و در چشم ک

برنیاید هرکه باشق با سرکه خشک کند و بر بهق مالد بهتر شود

گوید هر زنی که گوشت باز با روغن کنجک بخورد ادرار رحم

شود و بار گیرد و اگر کسی سوداوی دارو داده باشند سرگین باز

بجوشانند و بزن دهد تا بخورد و آنگاه با او جماعت کن

در حال بار گیرد فصــــ در بیان هدهد هرکه زبان

هدهد را با خود دارد زبان خصمان بر وی بسته شود و جم

خلایق او را دوست دارند هرکه پیه هدهد را بر سر کند

چشم کند هر زنی که او را به بند عاشق او شود هرکه هدهد

بگیرد و بنام هرکه خواهد بکشد و خون او را در طعام کند و بد

کس دهد تا بخورد عاشق و معشوق او شود هرکه هدهد را

خشک کند با شکر سفید بیامیزد و بکسی دهد که دل او

خواهد آنکس او را دوست دارد هرکه استخوان هدهد را بسوز

وکر

خاکتر او را در طعام کند و بکودک دهد تا بخورد زیرک
شود و حافظ گردد هرکه مغز هدهد و فرزند هدهد و زهرهٔ هدهد
با غالیه بساید هرکه او را بیند بوی کند عاشق شود هرکه استخوان
هدهد با خود دارد هر حاجتی که خواهد از خلقان برآید هرکه
پر مار هدهد با غالیه بیامیزد و در روی هر کس مالد آنکس او را
دوست دارد هرکه مغز هدهد با روغن یاسمین بیامیزد
و از آن روغن بر ذکر مالد باه را قوت دهد با
هرکه او را درد چشم بود برگ انار شیرین و برگ درخت انار
ترش هر دو را بکوبد و بر پشت چشم بندد درد چشم را ببرد
و بادرنک کند کلاقند را بکرد با روغن تازه و زعفران
و شیر زنان بیامیزد و در روی مالد کلف را ببرد و اگر کسی
زبان جغد بر سینه زن خفته نهد هر چه خواهد از وی بداند
هرچه بپرسد در خواب با وی بگوید و از برای دفع درد دندان

عناب با بادام در دهان دندان نهد درد ساکن شود [illegible]

اگر برگ گشنیز با گلاب در چشم کند آبله چشم را ببرد و درد بنشاند [illegible]

هر زنی که او را حیض باز ایستد باید که یک درم سداب با یک درم [illegible] با روغن گاو گرم

کند و بخورد در ساعت حیض بگشاید اگر کسی را مار گزیده باشد سداب

و برگ انجیر و برگ جوز بهم بکوبند و مالند زهر مار ببرد و زکام کند و اگر

کسی را درد معده باشد سداب بخاید و بر معده بندد دردش بر شود

هر که در چشم تب و چشم آماس کرده باشد بنفشه بکوبد با گلاب

در چشم مالد آماس را بنشاند و بغایت خوبست [illegible] اگر کسی

زهره [illegible] یک بس بخورد بواسیر را سود دارد و باد بواسیر را ببرد و

اگر کسی سر گنجشک با [illegible] معجون کند و بر زخم مالد زخم بر شود [illegible]

اگر کسی دل هدهد با خویشتن دارد در مجامعت شهوت را بیفزاید

و اگر زنی را فرزند نشود سرگین باز را بخورد فرزند پدید آید شود

اگر کسی چیزی بدزدد و خواهی که [illegible] معلوم کرد آن کس

که فکند از این آیت را از کلام مجید بر کاغذ نویسد اینست

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ

فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَرَدَ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ يَسْحَرُونَ بِمَا كَانُوا

يَسْحَرُونَ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ آنگاه در گردن گوساله

بندد و آن قوم را بزاید یک بار دیگر بر پشت گوساله بنهند و هر که

دزد بود باشد گوساله بزبان آید آتش رسوا شود صیغت بوم کلاغ

بال دارد و در خرابه مقام کند آوازی بنال دارد بعضی گویند نیک است و بعضی

گویند بد است سرگینی وی بلغم را بسا بیند و بر جای که مو باشد بمالند

موی بر آید و جای که موی باشد بر ابر کنند و در آنجا بمالند موی بر نیاید

خاصیت خایه وی در دیگ سنگین کنند و بر سر برف نهند به آتش

بجوشد و کف بر آورد خاصیت مغز وی بنام هر که بکشی بنهد

دشمن وی گردد و اگر با روغن بنفشه بیامیزد و در شقیقه مالد درد

ساکن شود خاصیت دل وی بر سینه زن خفته نهد آنچه در روز

گفته کرده باشد در خواب بگوید خاصیت پوست وی در چشم کرد نه

بو به شود خاصیت زهره وی زن آبستن بخورد بچه از وی

جدا شود خاصیت چنگال وی کودک با خود دارد در خواب

بترسد خاصیت خون وی خشک کند و بسا بیند و در ریش

ریزند بر نشود . خاصیت کلاغ سیاه عمر دراز دارد و چون او را بکشند
و بسوزانند و خاکستر وی با روغن زیتون بر جای ساده طلا کنند
موی برآورد خاصیت شتر غوث و زهره گربه سیاه در ریش هر کس
ریزند موی او سفید نشود و اگر با روغن بزرک بمالند با هر که جماع کنند
دوستی افزاید و اگر زهره زاغ بر پاره کرباس کنند و با خود دارند
هر چند که خواهند جماع تواند کرد و اگر بر ذکر مالند قوی گردد خاصیت
گوشت بط هر که بخورد و بادها را بشکند و جادوی بر وی کار نکند
خاصیت استخوان وی خشک کرده زیر هر که دود کنند جادوی بر وی
کار نکند خاصیت دل وی سابیده در شراب کنند و بخورد کسی هر چه
او کرده زبان وی همین فعل دارد خاصیت پیه و خون وی
بگیرند و کسی که زنخ درد کند بمالند به شود خاصیت پیه وی
با روغن شیر خشت بگدازند و بر پیشانی مالند در چشم مردمان عزیز
باشد سرگین وی حل کنند بر سر قرع در خود بیاویزد از سر قرع خلاص
شود زهره وی را در موی مالند سیاه شود خاصیت اگر کسی
اگر کسی مار زده شود و بر چشم طلا کند آب از چشم باز ایستد خون باز دارد

اگر

رسن بخورد حفظ خوار و دلیر شود و چنگال باز زنند در درختی بیاویزند جانوران
هیچ زیانی نکنند و چشم باز را با آب سیر دبیا بیزند و باینه در چشم کور
کنند روشن شود دیگری باز را با شراب بکلی آزند و با عسل بخورانند زن عاقره
بدهند بعد باوی صحبت دارد بار گیرد و اگر با عسل در چشم طلا کنند به شود
خواص دراج اگر زهره دراج با آب سوسن و آب ریحان بخورد دیوانه
دهند به شود هر که گوشت کبوتر خشک کند با توتیا در چشم کشند
تاریکی را ببرند و شب کوری نیز ببرد هر که گوشت فاخته بخورد بوی دهن
خوش کند و آب پشت افزاید اگر زبان فاخته با شکر خورد بلید
در دهن کودک نهد کودک زود بالغ شود و چیزها بسیار داند و حافظ
شود و اگر زبان فاخته در میان تعویذ نهند و با خود دارند مردمان
بروی ظفر نیابند و اگر زهره زاغ سیاه را با شکر سفید حل کنند
بر قضیب مالند جماع را قوت دهد اگر گنجشک را بدو نیم کنند و بر جای
که پیکان مانده باشد بنهند بیرون آید اگر مغز گنجشک در قضیب
مالد جماع را قوت دهد هر که پیه روباه بر جرب مالند و در خانه

کبوتر

فاخته

گنجشک

کفتار

نهند هم یکیکان بران جمع شوند خاصیت کفتار هرکه کفتار را بریان کند

در روغن بگیرد و در اندام مالد از رنجها ایمن شود هرکه خون کفتار

خورد دفر بیرو دلیر شود هرکه فرج کفتار با خود دارد همه کس او را دوست

دارد حضو کفتار زنان باشند منی و منی و از علم نفع لفظی بردیم لازم

بود که منافع کتابی تالیف کنیم تا بندگان خدای را از ما یادکاری باشد

پس قومی از حکمای متقدمین چون بقراط و افلاطون و محمد زکریا و سرایطس

هر یکی کتابها ساخته اند و نفع و ضرور گفتند تا عاقلان خود را از ان بیان

شمارند و بهره مند گردند و این کتاب بسط منافع الاشیاء و خواص

الاشیاء نام نهادند و روی جلب نفع خلیلی بیان کردیم عیسی بن

محمد عیسی غفر الله له و لوالدیه و لجمیع المؤمنین و المؤمنات الخیار

کردیم آنچه سهل تر بود و با منفعت تر بود چنانچه در عمل توان آورد

منافع آدمی

و خوانندگان را و دانندگان را از آن فایده بسیار باشد

تا وصل بهادن

و تاثیرهای عظیم منافع آدمی و اگر موی سر آدمی را از سر خود بسوزانند

زادن بر ایشان آسان گردد و اگر موی سر آدمی را با سرکه

کاه دخنک

کاو خشک اگر ده دود کنند همان منافع کنند که گفتیم اگر ناخن دوازده

دست راست مرد و دوازده از دست چپ و ده از پای راست

دیگر از پای چپ بیرون کنی و بسوزانی و خاکسترش با شهوت بدهی

پا میزرود و شیر بینی کنی هر گرا بدهی تا بخورد عاشق تو گردد و هر که شیر زنی

چشمی را چهار روز بخورد کودک که چشمش کبود باشد بدهد چشمش سیاه شود

و اگر زهره آدمی را خشک کنند و بباید در چشم کشد سفیدی چشمش را ببرد

هر که شیر زنی که فرزند نخست آورده باشد با مشک و طرز و بیامیزد

و در چشم کشد سفیدی را ببرد و هر که دندان کودک که نخست باشد

بیفتد در سیم گیرد هر زنی که با خود دارد هرگز بار نگیرد و در میان

مردان عزیز باشد و اگر درد باشد و زبان جمله خصمان بر وی بسته گردد

هر که او را درد دندانی باشد و اگر ناف کودکی را که ببرند

با خود دارد هر که او را درد دندان و قلیخ نباشد و اگر استخوان

آدم را در زیر کسی که تب سیم داشته باشد دود کنند تب برطرف

شود ذلک تقدیر العزیز العلیم منافع فرس جالینوس حکیم
گوید گوشت اسب گرم و تر است و طبع را خشن کند معده را قوی
کند و هر که پای خود را در خضاب گرم باشد کند باد را ببرد و هر که
سم اسب ریزه را در جای که مگس باشد دود کند مگس از آنجا
ببرد و اگر سرگین اسب که گرم باشد بر جراحت نهی به شود و خون بسته
ابوذرجمهر حکیم گوید که گوشت اسب بریان کنند و تخم انگور و نمک
بر افکنند و سه روز بخورد همه علتها از وی ببرد و اگر مردی
باشد که آب پشت بیفزاید هر که شراب با زیره و جوز هندی پنج
درم بیامیزد و بخورد درد دل و درد شکم ببرد و معده را قوی
کند و باک شهوت را قوت دهد چندانکه ده زن را خشنود کند
جالینوس گوید اگر نعل دست راست اسب را زیر آستانه در خانه
پنهان کند موش از آنجا ببرد و اگر سرگین اسب در کهنه کند و ببندد
تا قطره آب از وی بچکد در گوش کر چکانی سود دارد و اگر کفشه
کند روز سه بار و اگر زنی را گیسوی کوتاه را تازه و تر کند

در هیشن بچه خود بنهد یک هفته ترش و ماست نخورد همچنان شود که دوشیزه
واگر جراحت باشد که خون باز نمی ایستد بر شود هر که پیه اسب بر ریشش
نهد که سر ریش پیدا نباشد نرم کند و سر ریش پیدا شود اما گوشت اسب
بکار نیاید که خستگی و فساد انگیزد [illegible] هر که لخابه ماش کرده باشد
ریحه و طلیجه کاو را بر آنجا نهی به شود جالینوس گوید هر که را خون
از بینی آید به هیچ نوع باز نمی ایستد خون کاو در بینی مالد باز ایستد
واگر جراحتی بود که همین عمل کند باز ایستد هر که دیگ کاو را خشک
و بساید و بر جراحت نهد که کرم افتاده باشد کرم کشته شود و به شود
و هر که سم کاو را بسوزاند و خاکسترش در ریش نهند
آن ریش نیک شود هر که زهره کاو را با روغن زیتی دهد تا بخورد
از حیض پاک شود واگر با بنا ریش در گوش چکاند درد
گوش را ببرد [illegible] هر که شیر گوسفند را غرغره کند آوازش
بگشاید هر که را درد اندام باشد پشک گوسفند با روغن تازه بجوشاند
و بر بندد در پیوندها بمالد خوش شود [illegible] هر که پوست خر

بر گردن کودک بندد آن کودک نترسد و اگر قضیب خر با روغن کنجد قلیه کند

و بر ورم سپرز بر افکند دو هفته بدیوانه دهند تا بخورد عاقل گردد و اگر

سم خر در جایی که مگس باشد دود کند مگس از آنجا بگریزد و اگر زنی را اندام

پیش جراحت شده باشد شیر خر بر فرق نشیند کیرد به گردد و هر که از

دست راست خر انگشتری سازد و در دست مصروع کند که بهتر یابد

و بر آنجا بندد و هر که سم خر بسوزاند و خاکسترش را با روغن زیتون

مرهم کند و بر جراحت ریش نهد به شود منافع گوساله جالینوس گوید که

خایه گوساله را بریان کند و با نمک سه روز بخورد مردم ضعیف را قوی

کند و سود دارد و هر که آهن را و آبگینه را در آنچه بیفتد مانند باشد

سرگین گوساله با روغن گاو بر آنجا مالد به شود و هر چه بود و هر چه بود

بیرون آرد و اگر زنی زهره گوساله بر خود گیرد اندامش تنگ شود

منافع شتر جالینوس گوید گوشت شتر گرم است و دار دسته هر که بخورد درد

هیچ علت پیدا نشود و هر که مغز شتر را با سکنجبین بخورد درد گلو زایل گردد

و هر که را جرب باشد پشم شتر را بسوزاند و خاکسترش بر آنجا نهد نیک

شود و او را احتلام نیفتد و هر که گوشت شتر را بخورد آب پشت

زیاده گردد

زیاده شود و درد دیرکم کند هر که کوهان شتر را بخورد سود دارد و باد
بشکند و هر که آگنده یار لقوه باشد یار خود را در خون شتر زند کند باش
به شود و هر که کوهان شتر را بگدازد و تخم گندنا را با روغن بریان کند
و بخورد منی را زیاده کند و قضیب را سخت کند جالینوس گوید هر که
پشم شتر را بسوزاند و خاکسترش با روغن زیت مرهم کند و بر
جای که موی رفته باشد یک هفته بمالند موی برآید هر که مغز شتر و مغز
با روغن یاسمین گرم کند و دو هفته بر هر جا که بمالند موی برآید منافع
گورخر جالینوس گوید سرگین گورخر داروست هر که یک مثقال سرگین
سرگین گورخر با انگبین و شیر بجوشاند و سود کند و بخورد درد اندام و درد شکم
و درد پشت و خام باد ببرد و شاخ گورخر در زیر بالین زن نهد هر که در
بیداری کسی باشد در خواب بگوید و درد دل گورخر آنچه در نیست هر که بر
به بندد هر آن او را دیگر نزیاند و هر که یک هفته گوشت گورخر بدیوانه دهد
دیوانگی از او ببرد و عاقل شود و هر که خایه گورخر بریان کند و بخورد منی
را قوت دهد منافع خرگوش جالینوس گوید هر که دل و جگر خرگوش را بهم
بخورد دیوانگی را سود دارد و هر که زاد هیچ علت نبود و روز رحم هر که گوید
هر که دیده خرگوش با خود دارد در میان هزار دشمن رود به سلامت

بیرون آید هر که خون خرگوش را خشک کند و با آب غوره بباید بیل
در چشم کند خارش چشم را ببرد و هر که پیه خرگوش را بخورد فربه شود
و هر که پیه دان خرگوش را بریان کند و بکودک دهد تا بجز در شب در
جامه خواب ناشد و هر که زهره خرگوش را در ذکر مالد با هر زنی که مجامعت
کند آن زن از دیگر کس نخواهد منافع آهو هر که استخوان آهو را بسوزاند
و خاکسترش را بر جراحت مالد نیکو شود و هر که مغز استخوان آهو را
بخورد طپیدن دل را ببرد و درد پهلو ببرد و هر کرا درد گوش
باشد زهره آهو در گوش چکاند به شود منافع بز جالینوس حکیم گوید
هر کرا درد گوش بود زهره بز در گوش چکاند به شود و هر کرا درد چشم
بود زهره بز را خشک کند و در چشم کشد درد را ببرد و هر جا زهره بز دود
کنی گزندگان از آنجا بگریزند هر کرا چیزی گزیده باشد و درد کند
سرگین بز با آب گرم کند و بر گوشت نهد آزارش را ببرد و هر کرا در
دل باشد روغن بز را بخورد به شود و هر که شاخ بز کوهی را بر سینه
زن نهد آنچه در بیداری کرده باشد در خواب بگوید هر کرا
زهر قاتل داده باشند شیر بز با روغن بز گرم کنند و بدو دهند
تا بخورد زهر بدو کار نکند منافع ... هر زنی که خواهد که او را

فرزند نباشد

فرزند باشد یافته گر کسی فیل را در زیر خود دود کند فرزندش نباشد

منافع شیر هر که دندان شیر را با خود دارد سلطان شود و هر حاجتی که خواهد

روا شود و هر که چشم و خایه فیل شیر با خود دارد در میان مردم با هیبت

باشد منافع پلنگ جالینوس حکیم گوید گوشت پلنگ را بخورد فربه شود و با قوة

و دلیر باشد و اگر پیه پلنگ را بگدازد با روغن جایی که پیسی باشد

بمالد پیسی ببرد منافع گرگ بقراط حکیم گوید که چشم راست گرگ

با خود دارد از بیم و خوف ملوک و پادشاهان ایمن باشد و زبان بزور بسته

شود و هر که دندان گرگ با خود دارد هرگز او را درد دندان نباشد و هر که

زبان گرگ با خود دارد و هر جنگ رود فتح او را بود و هر که گوشت گرگ

بخورد زیرک گردد و بسیار دان شود و هر که دندان گرگ بر کودک

بمالد دندانش آسان برآید و اگر دندان گرگ بر اسب بندند به از اسبان

دیگر بدود منافع کفتار جالینوس گوید هر که دست کفتار با خود دارد هر

زن که او را ببیند عاشق او گردد و هر که دیت کفتار را با خود دارد زبان سلطان

بروی بسته شود هر که پیه کفتار را بسر در چشم کشد هر جا که رود اگر شب و اگر روز

کس او را نبیند هر که دندان کفتار با خود دارد هیچ باری دیر از نجا نزند

و اگر در زیر جو دود کند تا سور را ببرد هر که گوشت کفتار با خود دارد منافع سگ

یا بخورد سخت دل شود و دزد به شود منافع سگ هر که از سگ بگیرد موی آن

سگ و ببرد مالند نیکو شود هر اسب که شکم گیرد سرگین سگ سیاه

آب کنند و بمقعدش ریزند در حال سرگین بیندازد و نیکو شود منافع روباه منافع

روباه هر که پیه روباه بگدازد و با روغن زیت در گوشش چکانند درد گوش بنشاند

هر که زهره روباه در چشم کند زنب کوری را ببرد هر که پیه روباه در دست پیه روباه

و پای مالد سرما او را زیان نکند هر که پیه روباه با سرگین او مرهم کند و بر

نقرس مالد در حال نیکو شود هر که پیه روباه را بگدازد و در گوش چکانند درد گوش

بنشاند منافع گربه یحیی بن زکریا حکیم گوید که قطره خون گربه با آب منافع گربه

بیامیزد و به هر کس دهد بخورد عاشق او گردد و هر که خایه گربه را بریان کند

و خشک کند و بساید و در وقت مجامعت بر قضیب مالد آن زن با غیر

او نزد دیگری نرود منافع خرس جالینوس گوید هر که زن آبستن باشد منافع خرس

و رنجور بود خون خرس و خون زاغ با هم بیامیزد و سر رو زنجو د دانه نیکو شود

و هر که ادرار گزیده باشد گوشت خرس بدانجا نهند هر که بکشند و نیکو شود

منافع مار جالینوس گوید که ناشتا یکی سیر با مغز جوز بخورد و هیچ زهر بر وی
کارگر نکند هر کس که مار گزیده باشد سیر و سداب و برگ انجیر و مغز جوز کهنه جمله
بکوبد و بر زخم نهد زهر را بکشد و به شود و اگر کسی را ابرو و مژه نیکو نبود
پوست مار بسوزانند و خاکستر او با روغن زیت بیامیزد و بر مژه و ابرو
مالد موی برآید. منافع گژدم اگر کسی را بیم بود که گژدم را بکشد و خشک
کند با روغن سمند بیامیزد و بر آنجا مالد نیکو شود و اگر کسی را گژدم بگزد
گژدم را بکشد با روغن تازه گاو بریان و بر آن زخم بمالد در ساعت بیارامد
و اگر کسی را گژدم بگزد با کسی سخن نگوید و باز گوش خر گوید که مرا گژدم
گزید در حال در بیارامد منافع خارپشت اگر کسی گوشت خارپشت را
بسوزانند مار از آن موضع بگریزد و هر که زهره خارپشت بریان کند و بخورد
در جامه خواب نگردد و اگر دست و پای خارپشت بر پای کسی ببندند که
او را نقرس باشد به شود منافع [illegible] جالینوس گوید هر که آب پشت
کم باشد گنجشک [illegible] بکشد و مغز سرش را بیرون کند و مغز جوز هندی [illegible]
زنجبیل بیامیزد و ناشتا بخورد آب پشت وی زیادت کند و اگر ده روز
داشته باشد [illegible] جالینوس گوید هر که سرگین گنجشک با سرکه

مرهم کنند و بر جراحت که زشت باشد بگذارند نیکو شود و هر که گوشت گنجشک را
را بسیار خورد بادهائی که در سردی باشد ببرد و منی را زیاده کند و هر که
استخوان گنجشک را با خود دارد چشم بد بوی کار نکند و هر که مغز سر
گنجشک را بر ذکر مالد باه را قوت دهد منافع کبوتر هر که چشم کبوتر منافع کبوتر
با خود دارد بر همه کس عزیز بود هر که گوشت کبوتر بخورد بادهائی مخالف
را بشکند و سردی را ببرد و آب پشت را زیاده کند هر که خون کبوتر
سیاه را خشک کند با شکر سفید بخورد آب پشت را زیاده کند
و ذکر قوی شود هر که خون کبوتر در چشم کند درد را بنشاند و معده را
قوی کند منافع کبک هر که کبک را بخورد مقبل گردد و حکیم بسیار دان بود منافع کبک
و هر که گوشت کبک را بخورد خشکی را ببرد و هر که مغز کبک با شکر
سفید بخورد دردها را ببرد و هر که پیه کبک بر سر درد زده بمالد بهتر شود
منافع تذرو هر که پیه تذرو را بگدازد و سه قطره در گوش چکاند منافع تذرو
درد گوش را بنشاند و دیگر درد گوش نبیند هر که پر تذرو را بسوزاند
و خاکسترش بگلاب بیامیزد و بر سر مالد درد شقیقه ببرد و هر که تذرو
را بریان کند و نان در زیر آن دارد تا چرب شود و آن نان را بخورد

مجامعت را

معده را قوی کند و اندام را گرم کند و روی را صاف کند و خروس هم گوید
و زشت بندد و هر که گوشت فاخته راست دارد اما گوشت دراج لطیف است
هر که مغز دراج با شکر سفید بخورد آب پشت بیفزاید هر که پیه دراج را بگدازد و با
روغن یاسمن در گوش چکاند هر که کر شود دوا گردد و بو نیکو شود منافع خروس
هر دو زن را کو بده هر که گوشت خروس پیر بخورد دلش جمع گردد و هر که خون خروس
با طعام بیامیزد و بزنی دهد تا بخورد آن زن شیفته او گردد و هر که پای خروس
بریان کند و با بدو با نمک خورد بر جای که کوفته باشد بمالد آزارش
را ببرد و هر که مغز خروس بر گزیده مار بندد به شود و هر که گوشت
خروس با نمک آبی بجوشاند و با غذا و بدو قولنج دهد در حال به شود
و هر که زهره خروس سوخته خشک کند و در چشم کند آب دیده را سود
دارد و اگر کسی را آبگینه یا استخوان در جای مانده باشد خروس سیاه
بدو نیم کند و بر آنجا نهد در حال بیرون آید و هر که استخوان پای زوی
خروس را بدرست غذا و بد تب بر بندد تب از وی ببرد
منافع ماکیان هر که گوشت ماکیان بخورد منی را زیاده کند هر که
پیه ماکیان بگدازد با روغن بنفشه در بینی چکاند درد
شقیقه و درد سر را ببرد و هر که استخوان ماکیان را بریان کند

وبساید و بر جراحت ریزد به شود هر که زهرهٔ ماکیان با مردا
سنگ بیامیزد و بر ذکر مالد و با هر زنی که مجامعت کند بغیر از وی
کسی دیگر را نخواهد و هر که سر ماکیان با چشمهای ماکیان با خود
دارد در میان مردم عزیز باشد و هر که سر ماکیان سیاه سرمه کند
در چشم کند جادوی بروی کار نکند خواص زاغ هر که پیه زاغ را
بسوزاند و بر جراحت ریزد به شود هر که بچگان زاغ را زیر
خداوند تب بسوزاند به شود هر که گوشت کلاغ و پیه کلاغ
بخورد سخت دل شود هر که خایهٔ زاغ را چهل روز بر سر کسی نهد
تا سیاه شود آنکه بردارد بساید و در موی سفید مالد تا یکسال
سیاه ماند و این مجربست خواص ادریس گویند در حکمت تجربه
حاصل شد اگر کسی انزروت را در چشم بساید و عمل بکند و در
چشم کند درد را برطرف کند و اگر بخورد خون از شکم باز دارد
و اگر کسی مشک را ببوید قضیب را باز دارد و رگهای اعضای
آدمی را قوت دهد صندل سرخ و سفید هر دو یک خاصیت
دارد اما در بهار نیکو بود و در دیگر از صفرا باشد بسیار

نافع است و اگر کسی کافور را با آب عنبره در بینی چکانند خون را باز
دارد و بجهت گرم تب نیز فایده دارد و عود معده را قوت دهد
و باد شکم را باز دارد و عنبر گرم و تر است بوی وی مغز سر و جمیع اعضا را
قوت دهد و گوش را شنوا و چشم را روشنایی بسیار بخشد و تیر خشت
شکم را نرم کند و صفرا را از بدن ببرد و قیر بغایت گرم باشد و زنگ
رو را روشن کند و روی را سرخ کند و قطران گرم است و چیز بر
اندام گیرند درد سر را سود دارد و حیض را بگشاید و کودک
مرده در شکم باشد همان لحظه بیاورد و صدف را اگر بسوزانند و
خاکستر آنرا در چشم کنند سفیدی که از چشم باشد ببرد عنب الثعلب
جگر را فایده دهد و سده را بگشاید و سنبل گرم بود و معده را گرم
کند و باد شکم را ببرد و سده را بگشاید و سورنجان از برای درد پا بسیار
مفید است و نفط گرم بود و بادها را بشکند و اگر شاف کند گرم
شکم را بگشاید اگر کسی خایه گوساله را خشک کند و بکوبد بخورد
درد جماع افزاید و اگر بول گوساله را یک قطره در گوش چکانند درد
گوش را برطرف کند و اگر مغز استخوان گوساله بر روی کودک که گریه کند

بمالند بر طرف کند و اگر زهره گوساله را بر قضیب مالد قوت و توانائی جماع افزاید

منافع گاو — اگر زهره گاو را با نار ترش در گوش چکانند درد گوش را ساکن

کند و اگر کسی استسقا داشته باشد سرگین گاو را خشک کند و بساید و بخورد

بسیار سود دهد منافع گوزن هر که مغز سر گوزن را با کرفس و انگبین بیامیزد

و بر آتش بجوشانند و بخورد کسی دهد که او مرض دق داشته باشد

بشرط آنکه ناشتا بخورد و چند مرتبه بکار برد سود عظیم باشد آنچه آن

مرض دفع شود و در کتاب تاریخ نوشته اند که بعضی خرست که در گردن

او مهره پیدا میشود آن مهره پازهر عظیم است و بغایت پر قیمتست

باید گرفت و به چابکی دستی آنجای را باید شکافت و بیرون آورد

و آن نرم باشد چون در آب افکند سخت شود و چون سنگ سفید و پازهر نام

باشد و آن پازهر باشد بغایت سودمند و اگر کسی را مار و کژدم یا جا

نوران پلید گزیده باشد اندکی از آن بخورد فایده بسیار دهد و اگر

کسی را زهر داده باشند اندکی از آن بخورد خلاص شود و هر کس

و هر کس را که او دارد چشم مردم عزیز باشد و در قیمت آن مبالغه رفته

و صفت آن بسیار است و نتوان گفت که چه مقدار قیمت دارد

و در کتاب طبیعات نوشته اند که اگر کسی را مار زخم یا علتی پیدا شود

باچکی

بمجلس سخن نکو بند و در گوشت خر او انگشت را کند نیکو شود و در کتاب
... مسطور است که در وقت که خر نر بر خر ماده نشیند از دنبال خر نر
... بکند تا هر که آن موی با خود نگاه دارد پیوسته بمردان ... قایم باشد
... هر که خواهد ... و قوی تر شود و اگر زهره کلاغ سیاه را در آن
... بند و هرد و را بر ران خویش نهد عجایب مشاهده کند و گفته اند
... خر ماده ... سگ ... در کند و سگ نیز فریاد عبث کند
اشتر جانوریست سخت دان و بغایت زیرک و اگر مغز سر اشتر را با روغن
... گرم کند بهر جا که موی نرسته باشد مالند موی بر آرد اگر دل آن
را زنی بخورد هر گز آبستنی نشود و اگر پیه گوشت اشتر را بر ناف
زنان بندد البته آبستنی نشود ... هر که شیر اسب ترش شده با
بخورد روی او سرخ شود و نشاط آورد و اگر زنی شیر اسب بر بستر
کند و بر خود گیرد موضع مخصوص تنگ شود و اگر شیر اسب بخورد زنی ...
بجماع ... گردد و اگر شیر اسب با شکر بیامیزد و گلوله کند هر زن که ازان
بخورد گیرد البته حامله شود و اگر زن سرگین اسب را در زیر خود دود کند
بچه اگر زنده و اگر مرده باشد فی الحال بار دیگر زمین نهد و اگر ... اسب
... بگیرد و در ... که ... کند بمالند بر طرف شود

اگر گرگ قصد کسی کند باید که یکمشت خاک بر جانب او افشاند که بسیار
ترس دارد و اگر زهره گرگ را با عسل بر قضیب مالد با هر زنی که مجامعت
کند محبت او شود و همیشه خواهان او باشد و اگر زهره گرگ را در چشم
کشد آب سیاه از چشم دفع کند اگر ذکر گرگ را بنام هر که زنی که گره
کند بسته شود و اگر بنام مرد نیز گره کند بسته گردد و اگر قاب
گرگ را بنقره گیرند و در گردن کودک آویزند از چشم زخم
ایمن شود دلیب هر که برگ مورد با مردارسنگ و صندل ببندد
و بر بیزند و بغل را بدان بشوید بوی بغل ببرد دلیقها جهت عرق کردن
درست و پا خشاوند آب برابر هم بکوبند و به بندند دفع عرق کند
گوید که آب بنفشه با سرکه کهنه در روی مالد کلف و داغ
رو را ببرد مهره که بر پهلوی راست جماع کند او را از باد لقوه
بیم نبود هر که کاهو تازه بسیار خورد علت بخیزاند هر که موش سیاه
بگیرد و دم و گوش او را ببرد و رها کند موشان دیگر از آن مکان
بگریزند هر که به سیر طعام بخورد بلغم در معده اش پدید آید و اگر
زنی دندان بچه که اول افتاده باشد بجو در دارد آبستن شود و اگر

زنی

رنی سنگ مغناطیس بدست گیرد در حال بار بنهد هر که طعام ناخاییده
بخورد آتش معده بکند و سرد شود معده او و باد در شکم وی پیدا شود
و ناگواری معده از آن بود هر که طعام گشاده بخورد روی او زرد شود
دیگر دنش هر که آب بسیار خورد معده آتش ضعیف شود و خشک و صفرا
از آب خوردن بسیار بود هر که جماع بسیار کند معده آتش ضعیف گردد
و روی او وقت سپید شود و هر که از روی جماع کند و خود را باز دارد
دنبل و برص و علتهای دیگر پیدا کند و هر که از عادت خود بیشتر جماع کند
قضیب سست کند فایده هر که گشنیز بخورد خون صاف کند و اگر
بسیار خورد حافظه را زیان دارد و شهوت را برطرف کند
به کودکان آبله بهم رسد گشنیز با گلاب در چشم کنند آبله بیرون نکند
هر که گشنیز بامداد با شکر بخورد تب از استخوان او بیرون شود و اعضا او
فایده دهد هر که سداب بسیار خورد خون را بسوزاند و شهوت را
بکند هر زنی که حیض او بسته شود دیگر دم آب سداب با قدری روغن
گرم کند بخورد حیض بگشاید اگر کسی را مار گزیده باشد برگ سداب

و برگ انجیر و برگ جوز با هم بکوبند و بخورد زهر بیرون کند
و اگر کسی در معده باد شاخ سداب بخاید و ببوید نفخ معده
نهد به شود و اگر کسی آب سداب را بجوشاند و بر عضو مالد هرگز
گزنده در جامه او هم نرسد و اگر سداب در سوراخ مورچکان ریزند
بریزند همه بمیرند هر کرا درد دندان باشد اگر از باد باشد
سداب بکوبد و در زیر دندان گیرد درد بر طرف شود
و اگر آب سداب با سرکه بجوشاند و رکوئی با آن تر کنند و بر پهلوی
چپ نهند البته درد پهلو را بر طرف کند و اگر کودکی را درد
شکم باشد رکوئی با آب سداب تر کنند و بر پشت طهار نهند گرما
بکشد و درد بر طرف شود و اگر سداب را با آب گشنیز بجوشانند
و در چشم کنند شب کوری را ببرد و اگر تخم سداب بروغن
جوز بریان کرده با نگبین معجون کنند و هر روز یک مثقال بخورد
لقوه و قولنج را ببرد هر کرا نان با پودینه بخورد بلغم بر طرف
و باد را بشکند و معده را قوی کند و هر کرا پودینه را با سرکه

صفت درد دندان

منافع پودینه

...را باز دارد و بسیار نفع کند و اگر پودینه را بجوشانند و بر پهلو نهند
...کند سپرز را سود دارد و اگر پودینه با پیاز بخورد کرم شکم را بکشد

منافع ترخان

...د بیرون آورد و اگر پودینه خشک را بکوبند و بخورند دانه دانه دلرا ببرد
...هر که ترخان بخورد بوی دهانش خوش شود و باد سموم برو کار نکند
...تشنگی را بنشاند هر که ترخان بخاید و در بن دندان مالد

منافع کاسنی

...خون باز ایستد و اگر کسی را عقرب بگزیده باشد ترخان را بران بسایند
...به شود هر که کاسنی بسیار خورد خون را صاف کند و حرارت جگر را
...بنشاند و اگر کسی کاسنی را بکوبد و بر سر آماس نهد درد را بنشاند
و اگر شکم مرغ را کاسنی پر کنند و بریان کنند و تناول کنند خون شکم
را باز دارد و اگر کسی را آب از دهن برود عرق کاسنی بخورد

منافع کرفس

آب بایستد و تب را زایل کند اگر کسی را از قضیب خون آید تخم
کاسنی را بریان کند و بخورد خون باز ایستد اگر کسی را علت جگر

جهت ... آواز

باشد شیرهٔ کاسنی با شکر بخورد نافع بود و اگر کسی آب کرفس
با شکر مضمضه کند سینه گرفته را بگشاید و آواز را صاف
کند اگر تخم کرفس با شکر بکوبد و بخورد دمدر را قوی کند و قوت

باه دهد و اگر قدری تخم کرفس و جوز هندی و عود خام و مستکی
را با سه چندان عسل یا شکر معجون کند و هر روز سه مثقال بخورد
معده را قوت دهد و بلغم را بر طرف کند و دماغ را خوش کند و اگر
آب او بدهن بر رود سود دارد و سودا را روشن کند و باد بواسیر را
و باد های مخالف را بنشاند و شهوت را قوت افزاید و اشتها
آورد و اگر کسی در سال یک هفته ازین معجون بخورد اگر ده کنیز
داشته باشد همه را در یک شب خوشنود کرداند جالینوس حکیم گوید
هر که شلغم پخته ناشتا بخورد سینه را نرم کند و سردیها را بر طرف
کند هر که پیاز با انگبین بیامیزد و بر آنجا که موی رفته باشد بمالد
موی بر آورد و هر که پوسته پیاز با گوشت بخورد شهوت و جماع
را لذت دهد و کرده و مثانه را قوی کند و بادها را ازتن بر
طرف هر که پیاز را بر آتش بریان کند و بر روغن گاو بپزد
بر زخم ناسور ده ساله مرهم نهاده به شود و از خون آمدن باز
دارد و هر که ده درم تخم گزر با ده درم قند بکوبد و بخورد
ریگ مثانه را پاک کند هر که گزر بسیار خورد بواسطه حاجت

منافع شلغم پخته

[illegible]

[illegible] ناسور [illegible]

جماع

otfim